

گزارش نشست ”رسانه‌ها و اعتدال“

چکیده

مفهوم اعتدال اگرچه همواره مد نظر اندیشمندان و متفکرین بوده ولی از آنجا که به‌عنوان یکی از شعارهای اصلی دولت یازدهم نیز مطرح شده، حائز اهمیت است. در این میان با عنایت به فضای موجود در عرصه رسانه‌ای کشور، لزوم رعایت اعتدال در ارائه مباحث و نظرات رسانه‌ای بیش از پیش احساس می‌شود. از این‌رو دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها بر آن شد تا با دعوت از صاحب‌نظران و فعالان حوزه رسانه‌ای کشور باب بحثی را در این زمینه گشوده و با تعاطی نظرات و افکار به روشن شدن بیشتر این مفهوم و جنبه‌های کاربردی آن در سطح رسانه‌ها، کمک کند. برگزاری نشست تخصصی با نام ”رسانه‌ها و اعتدال“ دومین نشست از سلسله نشست‌های جدید دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه محسوب می‌شود. با این امید که از طریق مشارکت صاحب‌نظران و اخذ دیدگاه‌های کارشناسی مختلف در این زمینه، گامی مهم و اثرگذار برای تحقق کامل اعتدال در فضای رسانه‌ای کشور برداشته شود.

مقدمه

بی‌تردید اهمیت اعتدال در رسانه‌ها و تأثیر آن بر نوع فعالیت رسانه‌ای بر هیچ‌کس پوشیده نیست؛ امری که در صورت تحقق کامل، فضایی پویا و مبتنی بر اخلاق حرفه‌ای را بر فضای رسانه‌ای کشور حاکم می‌کند. در این راستا دومین نشست تخصصی حوزه رسانه با نام ”رسانه‌ها و اعتدال“ دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۹۳ به همت دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها و با حضور اساتید دانشگاه‌ها، فعالان رسانه‌ای، روزنامه‌نگاران و علاقه‌مندان به رسانه در محل این دفتر برگزار شد.

دکتر محسنیان‌راد، دکتر محبیان، دکتر جهانشاهی، دکتر خانیکی، دکتر کواکبیان، کسری نوری، مازیار ناظمی، دکتر سلطانی‌فر و دکتر انتظامی، معاون امور مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد، در این نشست حضور داشتند.

در ادامه اهم سخنان و ایده‌های مطرح در این نشست به تفکیک سخنرانان و به ترتیب مباحث مطرح شده، ارائه می‌شود.

اعتدال، بیان و انعکاس حقیقت به دور از حب و بغض و نگاه جناحی است

محمد سلطانی‌فر: نشست حاضر از سلسله نشست‌های تخصصی رسانه است که بنا دارند موضوع‌های مختلف را از منظر مباحثه آکادمیک به بحث و مذاقه بگذارند.

در رابطه با موضوع نشست حاضر، اعتدال جدای از منظر دولت و دیدگاه پیگیرانه آن - از زمان پیدایش در عرصه رسانه‌ای کشور و به‌روز فضای افراطی سیاسی در رسانه‌ها - همواره یکی از دغدغه‌های مهم روزنامه‌نگاری مطرح بوده‌است و حوزه‌های دانشگاهی نیز به دنبال آن بوده‌اند تا عرصه اعتدال به چالش‌های سیاسی کشانده نشود.

اگر رسانه‌ها مسیر اعتدال را در پیش گیرند به‌عنوان خط‌دهندگان و جریان‌دهندگان افکار عمومی جامعه خواهند توانست فضای افراطی را از جامعه دور کنند و چنانچه شکل ظاهری، فضای بیرونی و نوع ادبیات روزنامه‌ها همراه با اعتدال باشد و از افراط پرهیز کنند، خواهند توانست نوعی فضای اعتدالی در جامعه ایجاد کنند.

اعتدال یا میانه‌روی در دانشگاه‌ها به شکل‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته‌است و در حوزه‌های آکادمیک زمانی که انصاف مطرح می‌شود دقیقاً همان موضوع اعتدال مورد نظر است. و آنجا که حقیقت‌گرایی مطرح می‌شود روزنامه‌نگاران نباید حب و بغض را مورد توجه قرار دهند و این نیز اعتدال‌گرایی است.

اعتدال به دنبال آن نیست که تدروی‌های شکل گرفته در جامعه دامن زده نشوند بلکه حوزه اعتدال باید بیان و انعکاس حقیقت به دور از حب و بغض‌ها و نگاه‌های جناحی باشد و نیز نباید اعتدال به قربانگاه منافع جناحی برده شود. این بحث در طول تاریخ روزنامه‌نگاری به شکل‌ها، اسامی و ادبیات مختلف روزنامه‌نگاری وجود داشته‌است.

حال پرسش این است که نقش روزنامه‌نگاران در ایجاد اعتدال در جامعه چیست؟ آیا روزنامه‌نگاران می‌توانند فضای اعتدالی را به جامعه بازگردانند؟ آیا ادبیات تخریبی جناح‌های مختلف می‌تواند جایگاهی در حوزه اعتدال داشته باشد؟

امید است نفی ادبیات تهدیدآمیز، خشونت‌آمیز و ادبیاتی که در روزنامه‌نگاری از آن‌ها با نام ادبیات ترور و خشونت یاد می‌شود با طرح در چنین نشست‌هایی محقق شود تا بتوان موضوع اعتدال را بار دیگر در فضای مطبوعات به شکل آکادمیک مورد بررسی قرار داد.

اعتدال به معنای خنثی پنداشتن رسانه و ابزاری که هیچ‌گونه جهت‌گیری نداشته باشد، نیست

امیر محبیان: برای شناسایی موضوع این نشست ابتدا باید هر یک از دو مفهوم رسانه و اعتدال به‌درستی تعریف شوند یا حداقل شقوق مختلف آن‌ها روشن شوند تا بتوان دریافت که چگونه می‌توان فرهنگ اعتدال را در رسانه جاری و ساری کرد.

نکته نخست قابل توجه در عرصه رسانه این است که دو مقوله رسانه و مدیریت رسانه از هم جدا هستند. رسانه، عرصه تعامل و مدیریت رسانه، عرصه مدیریت فضاهای تعاملی است. اعتدال، بیشتر در مدیریت فضاهای تعاملی منظور نظر است؛ زیرا به رغم اختلاف نظرهای موجود، رسانه به خودی خود تا حدودی خنثی است و چون ابزاری به کار گرفته می شود. نکته بعد اینکه، مدیریت رسانه به فهم افراد از رسانه باز می گردد. رسانه مجرای است که داده ها را منتقل می کند تا در بستر فضا، زمان و مکان، فضایی منطقی با زبان مشترک میان مخاطبان به وجود آورد. سوم آنکه، باید میان خود رسانه و محصول رسانه تفاوت قائل شد. برون داد رسانه با خود رسانه لزوماً یکسان نیست. برای نمونه، ممکن است یک رسانه به طور ذاتی خاصیت سمعی و بصری داشته باشد اما محصول و خروجی آن با تعریفش تطابق نداشته باشد. بنابراین از تمام ظرفیت های آن رسانه برای بیان دیدگاه استفاده نشده است. در همین زمینه، کارکرد رسانه در حوزه مدیریت رسانه، چند ویژگی دارد: برنامه ریزی و طرح ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل.

باید در پژوهش ها روشن شود اعتدال در هر یک از حوزه های یاد شده چه نقشی می تواند داشته باشد. برای نمونه در حوزه کنترل و هدایت که ممیزی مطرح می شود و نیز تأثیرپذیری و فیلتراسیون را با خود دارد باید مشخص شود آیا اعتدال در نوع فیلتراسیون دیتا به عنوان محتوای قابل انتقال از رسانه تأثیر خواهد داشت یا خیر؟

از سوی دیگر، رسانه می تواند چند کارکرد داشته باشد که به عنوان محصول و اثرات آن در عرصه اجتماعی قابل بررسی هستند. نخستین آن ها، خبری-اطلاع رسانی است؛ دوم، آموزش در حوزه رسانه؛ سوم، سرگرمی و چهارم، کارکرد ترویجی-ارشادی است که جنبه فرهنگی سازی شان بیشتر است.

در رابطه با اعتدال پرسش نخست این است که اعتدال به چه معنا هست؟ این مفهوم یکی از مفاهیم کش دار مطرح شده مانند بقیه مفاهیم همچون آزادی، عدالت و غیره است. اگر این مفهوم درست تعریف نشود و در عرصه های عملیاتی، کارکردهای آن روشن نباشد تبدیل به یک مفهوم اجمالی مورد استفاده همگان خواهد شد تا جایی که گاه علیه خودش نیز به کار خواهد رفت. بنابراین، خطرناک است زیرا چنین مفاهیمی بدون اینکه اثرات مثبت اجتماعی مورد نظر را در پی داشته باشند مورد سواستفاده قرار خواهند گرفت.

در تعریف اعتدال نخست اینکه، انصاف معنا شده است که جنبه رفتاری دارد و فرد در هر جایگاهی از جمله رسانه باید انصاف را به کار گیرد. انصاف گاه به شکل برابر برای حق خود و دیگران در نظر گرفته می شود، گاه نیز انصاف به معنای در نظر گرفتن حقی است به معنای ذاتی آن که به حق داده می شود و به عبارت دیگر عدالت در عمل از این منظر، انصاف شمرده می شود.

گاهی اعتدال به معنای میانه روی یا در میانه ایستادن به کار برده می شود. بر همین اساس، چند مفهوم متفاوت از میانه روی را می توان در نظر گرفت: نخست اینکه بر اساس تفکر

ارسطویی حوزه اخلاق، حد وسط افراط و تفریط میانه‌روی تلقی شود. هرچند که برخی رفتارها و مفاهیم مانند راست‌گویی و حقیقت‌گویی، حد وسط ندارند و گاه نیز افراط در آنها ارزش است.

گاه نیز میانه‌روی به معنای خودداری از قضاوت تعبیر می‌شود. به این معنا که در برابر اعمال دیگران قضاوت شخصی دخالت داده نشود و مانند قاضی که از لحاظ حقوقی جاهل میان دو عالم است بایستی تنها بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده و قانون قضاوت کند. بنابراین قضاوت پیشینی یا تعصبی در میان نخواهد بود و بر همین معنا اعتدال به این معنا دوری از تعصب و قضاوت پیشینی معنا می‌شود.

از سوی دیگر، گاه فرد ممکن است تظاهر به میانه‌روی داشته باشد اما به نوعی جهت‌گیری القایی نیز انجام دهد؛ همانند بحث خنثی‌نبودن رسانه‌ها، اگر چه به ظاهر از قضاوت خودداری می‌کنند اما گاهی گرایش‌های القایی خود را نیز همراه دارند. اگر میانه‌روی در حوزه رسانه تعریف شود به معنای اعطای حق انتخاب و تشخیص به مخاطب خواهد بود. به همین معنا، تحلیل در رسانه نباید با خبر ادغام شود و در عین حال با اعتنا به شعور مخاطب قضاوت نهایی بر عهده وی گذاشته شود.

گاه اعتدال به معنای عقل‌گرایی است. اعتدال به معنای مفهوم عام یک هسته اصلی دارد که عقل‌گرایی است در هر حد قابل تعریف از عقل‌گرایی جزئی عرفی که بر اساس هزینه فایده عمل می‌کند تا عقل‌گرایی به معنای اعلای آن یعنی نور. بر همین اساس، فرد معتدل کسی است که عاقل است و رفتارش محاسبه‌پذیر. به این معنا، می‌توان برنامه‌ریزی کرد و نقشه عمل داشت.

مفهوم دیگر اعتدال به معنای برخورداری افراد از ادبیات فاخر در رفتار و بیان است. افراد معتدل اغلب سخنان تند نمی‌گویند و به عبارت بهتر راست می‌نشینند و کج نمی‌گویند. رفتارشان اخلاقی و در عین حال پیش‌بینی‌پذیر است. بر همین اساس اگر آنچه مطرح شد را مبنای تحلیل قرار دهیم دو گونه اعتدال خواهیم داشت: نخست اعتدال در رفتار و دوم اعتدال در شناخت.

گاهی افراد اعتدال رفتاری دارند چون نمی‌توانند غیر از آن انجام دهند اما مهم‌تر آن است که در سطح جامعه اعتدال‌شناختی گسترش داده شود زیرا اعتدال رفتاری محصول آن است. افراد باید دریابند که برای نتیجه‌گیری اگر بر اساس اصالت نفع نیز اقدام کنند منفعت در آن خواهد بود که حتی در کوتاه‌مدت با اعتدال و عاقلانه رفتار کنند.

پرسش دوم اینکه اعتدال در رسانه چیست؟ اعتدال به معنای خنثی‌پنداشتن رسانه و ابزار که هیچ‌گونه جهت‌گیری نداشته باشد، نیست. پذیرفتنی و شدنی هم نیست - رسانه اگرچه ابزار و شیء است اما عامل بهره‌بردار آن انسان است - که بدون سوگیری باشد زیرا تفکر انسانی بر رسانه تأثیر دارد. بنابراین نمی‌توان تصور کرد که روزنامه‌نگار خنثی باشد. اما مهم‌تر آن است که فریب‌کارانه اقدام نکند و شفاف و روشن دیدگاه خود را مطرح کند. در عین حال دیدگاه فرد

نباید به صورت فریب در خبر اعمال شود چون موجب کج‌نمایی خواهد شد و به مخاطب نیز تصویر درستی ارائه نخواهد کرد.

مورد دیگر اینکه اگر بخواهیم اعتدال در رسانه مطرح شود نباید توقع داشت مفهوم افراط را به‌طور کامل از جامعه حذف کرد تا بازتاب داده نشود. واقعیت‌ها را اگرچه در جامعه هست با ایجاد ممیزی بر رسانه و نمایش تصویر نمی‌توان به شکلی ارائه داد که نشان‌دهنده جامعه مطلوبی باشد که با واقعیت‌ها همخوانی ندارد. هم اعتدال هم افراط، هم عقل هم بی‌عقلی، هم ادب هم بی‌ادبی موجود در جامعه باید در راستای نمایش واقعیت‌های متضاد جامعه نشان داده شوند.

اینکه چگونه باید فرهنگ‌سازی درباره اعتدال انجام شود؟ پرسش سوم است. پاسخ اینکه جمع سه فرهنگ در جامعه فرهنگ اعتدال را در پی خواهد آورد.

فرهنگ قانون‌گرایی: به معنای تشخیص چارچوب‌های مشروع است. روزنامه‌نگار و اهل رسانه باید فرهنگ قانون‌گرایی را در خود نهادینه کند همان‌گونه که در جامعه باید انجام شود.

در هر جامعه چارچوب‌های قانونی وجود دارد که باید رعایت شود که به معنای جریان‌های مختلف سیاسی نیست بلکه به معنای قانون به‌عنوان میثاق علمی است.

فرهنگ عقل‌گرایی: به معنای تشخیص منافع با محوریت منافع مردم.

فرهنگ اخلاق‌گرایی: به معنای رعایت چارچوب حقوق فردی است.

هیچ کس حق ندارد زیر پرچم کار رسانه‌ای به حقوق فردی یا حریم شخصی افراد تجاوز کند. بر این اساس، حریم‌های قانونی، حریم‌های عقلانی با محوریت مردم و حریم‌های اخلاقی در روابط بین افراد هر جامعه وجود دارد. اگر این فرهنگ‌ها نهادینه نشود و اخلاق‌گرایی، عقل‌گرایی و قانون‌گرایی وجود نداشته باشند شاهد اعتدال در هر جامعه نخواهیم بود هر چند که شعار آن داده شود.

برای دستیابی به اعتدال سه راه باید در رسانه مد نظر قرار گیرد. نخست آموزش و پرورش نیروی مناسب در حوزه رسانه که در اثر سه فرهنگ یاد شده شکل پیدا کنند، منابع انسانی لازم برای گسترش این فرهنگ تربیت شده و پرورشی مبتنی بر شناخت داشته باشند. روزنامه‌نگار باید اخلاق‌گرایی، عقل‌گرایی و قانون‌گرایی را به‌عنوان چارچوب کار خود بپذیرد. بنابراین برای کنترل، عامل نیروی انسانی ضروری نخواهد بود و برخوردها دینامیکی خواهد شد نه مکانیکی و از بیرون.

دوم، کنترل و ارزیابی مستمر اقدام و عمل رسانه‌ای که حتی با فرض تربیت نیروی مجرب بهتر است تا آسیب‌ها به حداقل برسد و افراد دریابند که در رفتار تحت کنترل هستند نه به معنای فیزیکی آن بلکه کنترل در چارچوب‌ها.

آخرین مورد، تنظیم روابط و اقدامات مبتنی بر بازخوردهای رفتاری است. به معنای دیگر، بین فردی که در چارچوب منافع، قانون، اخلاق و کار حرفه‌ای عمل می‌کند و کسی که این‌ها را رعایت نمی‌کند به هر طریق ممکن از جمله تشویق، کنترل قانونی یا هر شیوه دیگر باید تفاوتی باشد. اگر

فضای رسانه‌ای در فضای غوغاسالاری عمل کند و روزنامه‌نگاران دریابند مانند راننده‌ای که خلاف عرف رانندگی می‌کند تنها از راه درگیری می‌توانند معروف و مشهور شوند نه از راه کار فکری و عملی، نظم کلی را بر هم خواهند زد و باعث تندروری دیگران هم خواهند شد.

رسانه‌ای معتدل است که فارغ از گرایش‌های سیاسی عمل کند و مستقل و با میانه‌روی

پیش رود

امید جهان‌شاهی: با توجه به چگونگی طرح این شعار در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر، این مفهوم نباید تنها به‌عنوان یک مسئله سیاسی دیده و سپس به کارکردهای سیاسی رسانه‌ها توجه داده شود بلکه اعتدال را باید به‌عنوان یک ارزش و اندیشه تلقی کرد.

اگر تنها در چارچوب سیاسی به مقوله اعتدال نگاه شود بی‌بهره خواهیم ماند؛ اما اگر اعتدال به‌مثابه یک ارزش و فرهنگ — که یکی از مقوله‌های گم شده در تاریخ متأخر جامعه سیاسی کشور بوده است — نهادینه شود آن‌گاه پیامدهای گران‌سنگی را هم در سیاست، فرهنگ، رسانه و دیگر حوزه‌ها در اختیار خواهیم داشت.

اعتدال به‌معنای قرارداد هر چیز سر جای خود و اینکه هر چیز را چگونه و با چه معیاری سر جای خود قرار دادن است. معیار این کار عقل است و عقل جمعی به‌عنوان نماینده همه نحل‌های فکری و اندیشه‌های جامعه باید در عرصه رسانه‌ها بروز و ظهور پیدا کند.

بر همین اساس رسانه‌ها باید پایه و مبنای توسعه باشند و برای ایجاد گفتمان درست سیاسی در جامعه کمک کنند تا مشارکت اجتماعی درستی شکل بگیرد و اعتماد عمومی محقق شود. برای دستیابی به اهداف پیش‌روی دولت و کشور که مستلزم شکل‌گیری اعتدال در رسانه‌هاست همگی ملزم به فعالیت در این بستر هستیم.

هیچ‌گاه در تاریخ کشور چه پیش از انقلاب که رسانه‌ها بیشتر بلندگوی تبلیغاتی دولت بودند و روزنامه‌ها به‌عنوان ابزار سیاسی دولت تلقی می‌شدند و چه بعد، چنین بستری فراهم نبوده است. رسانه به‌مثابه یک نهاد اجتماعی به دلایل اقتصادی، سیاسی و ... شکل نگرفت و یکی از دلایل مهم آن نبود اعتدال به‌مثابه یک فرهنگ و ارزش در جامعه بوده است.

آن رسانه‌ای معتدل است که فارغ از گرایش‌های سیاسی عمل کند و مستقل و با میانه‌روی پیش برود. طبیعی است چنین رسانه‌ای وجود خارجی نداشته باشد زیرا که افراد گرایش سیاسی دارند و رسانه‌ها نیز به پیروی از افراد فعال همان رویه را دارند. مهم آن است که در ظرف گفتمان ملی همه رسانه‌ها با گرایش‌های سیاسی مختلف در مرحله نخست امکان بروز و ظهور داشته باشند و سپس در مرحله دوم نگاه بلندمدت را به کوتاه‌مدت برتری دهند. بر همین اساس، رسانه‌هایی که خارج از فضای حاکم و ظرف گفتمان ملی به فعالیت می‌پردازند باید بتوانند در نظام رسانه‌ای حاکم با توجه به فرهنگ و ارزش اعتدالی نهادینه شده به پیش بروند تا جامعه بسامان شود.

تمامی گرایش‌های سیاسی تندرو در برخی کشورهایی که دارای گونه‌ای از نظام نهادینه شده بالا هستند با کمترین آرای انتخاباتی و نماینده در پارلمان به سبب برخوردار نبودن از فرهنگ اعتدال در گرایش و مشی سیاسی در رسانه‌ها، اغلب مورد بی‌توجهی و بی‌مهری عموم جامعه قرار می‌گیرند. جامعه ایرانی با پیروی از گفته‌ها و رفتارهای بزرگان دینی و ملی خود و مبانی کلاسیک فرهنگی همواره به دیدگاه و رفتار اعتدالی توجه داشته‌است که باید با توجه به فرصت پیش‌آمده کنونی مورد توجه و دقت بیشتری قرار گیرد و به‌عنوان ارزش نهادینه شود. زیرا نظام رسانه‌ها تنها در این بستر خواهد توانست به درستی کارکرد واقعی خود را نشان دهد و آن‌گاه به انتصابات و گرایش‌های سیاسی بسنده نخواهد شد.

اعتدال به معنای محافظه‌کاری در برابر تغییر و تحول نیست

هادی خانیکی: می‌خواهم بحث را مقداری به حوزه جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی رسانه‌ای بکشانم و ببینیم وضعیت و ساختار رسانه‌ای کشور در وضعیت اعتدالی قرار دارد یا نه و اینکه چگونه می‌توانیم به واقعیت اعتدالی نزدیک شویم؟

براساس بررسی‌های یک مرکز تحقیقات رسانه‌ای از روز ۲۶ خرداد ۱۳۹۲ با اعلام نتیجه انتخابات یک رفتار مدنی در شهرهای بزرگ دیده شد و این یعنی واکنش‌های افراطی کمتر از مردم. رصد مطبوعات نشان داد از همان روز به بعد بحث و جدل بر سر مصادیق و تعاریف مفهوم اعتدال شکل گرفت. تعاریفی که در این مدت ارائه شد و شاید هنوز هم ادامه دارد عمدتاً ترکیبی است از مواضع گروهی و سیاسی و جناحی، دیدگاه‌های شخصی، رویکردهای پیشنهادی، توصیه، تجویز، دستور و حتی تهدید و دیکته کردن.

شاید لازم باشد که تعریف شود اعتدال چه چیزی نیست؟ زیرا گاه نام مستعار افراط هم اعتدال شده‌است به طوری که افراط‌گری‌ها زبان معیاری شده که هر کس با آن رفتار نکند گویا معتدل نیست یا دنبال اعتدال نمی‌رود.

به هر حال همراه مفاهیم به‌کار آمده در حوزه سیاست، خیلی تلاش شد که این نگرش‌ها یا منازعه‌های سیاسی وارد شود و باید بگویم که اعتدال هیچ ربطی به اصلاحات ندارد. زیرا برخی اصلاح‌طلبان خودشان معتدل نیستند و حرفی از اعتدال هم نزدند. یا اینکه آن طرف بگویند ربطی به اصول‌گرایی ندارد و در مجموع حد و مرزهای نظری و مفهومی اعتدال خیلی دچار اغتشاش معنایی شد. توصیه می‌کنم تحقیقاتی را انجام دهند که اعتدال چگونه در رسانه‌ها بازنمایی شده‌است. به این معنا که چه چیزی اعتدال است و چه چیزی اعتدال نیست. می‌توان گفت آنچه در رسانه‌ها گفته شد با آنچه در مثلث سیاسی و انتخابات شکل گرفت و بعد از آن دولت هم به دنبال آن بود، فاصله دارد.

با توجه به این مقدمه پنج مسئله را در حوزه مفهومی اعتدال مطرح می‌کنم و پنج مسئله را در حوزه کارکرد رسانه‌ای و بعد نتیجه‌گیری که چه کار باید کرد.

در حوزهٔ سیاسی به‌طور طبیعی واژه اعتدال— که نه در فضای سیاست، نه در فضای معرفت‌شناسانه و تاریخی ایران و نه در جهان واژه جدیدی هم نیست — وقتی مطرح شد باید به‌عنوان یک پدیدهٔ جدید رخ داده در حوزهٔ سیاست ایران آن را فهمید. حال می‌گویم چرا مفهوم اعتدال که توسط جناب آقای دکتر روحانی در انتخابات مطرح شد یک پدیدهٔ جدید است.

۱۲ سال قبل در دولت دوم آقای خاتمی ده برنامه به‌عنوان اولویت‌های برنامهٔ دولت دوم اصلاحات اعلام کرده بودند که در آن میان مفهوم یا گام دوم اعتدال بود. آن گام دوم به‌عنوان اعتدال مشخصهٔ فرهنگ اسلامی-ایرانی بود. اعتدال به‌معنای محافظه‌کاری در برابر تغییر و تحول نیست. اعتدال مبتنی بر عقل یعنی شاخص ممتاز فرهنگ شیعی و عنصر مهم در هویت ایرانی و اسلامی است. شیعه هم در عرصهٔ آفرینش و هم در عرصهٔ رفتار فردی و هم در روابط اجتماعی به عقل معتقد است و این یعنی باور به برخورداری جهان از نظم و انضباط حکیمانه.

لازمهٔ پذیرش عقل در عرصهٔ آفرینش، به‌کارگیری خرد انسانی و خردورزی است. مهم‌ترین آفت در این مسیر خروج از دایرهٔ اعتدال و رهاشدن جامعه در بوتۀ افراط و افراطی‌گری است. بدین ترتیب اعتدال حرکتی خردورزانه، فعالانه و بردبارانه برای مقابله با کم‌ظرفیتی در جامعه، کم‌ظرفیتی تاریخی و دور ماندن از استبداد و یا هرج‌ومرج است و برای استقرار و استمرار مردم‌سالاری دینی یک جهت و یک مسیر بیشتر وجود ندارد و آن تکیه بر اعتدال هم در راه و هم در روش است. این مشق را باید به‌عنوان طبیعت اصلاحات در همه بخش‌ها، سطوح نظام و جامعهٔ تدوین، ساری و جاری کرد. این دیدگاه در حوزهٔ سیاست مطرح شد اما بعدها به دلیل عملکرد دولت‌های نهم و دهم این احساس و تجربه به‌وجود آمد که سمت و سوی اقدامات رسمی-سیاسی و اجرایی به سمت افراط می‌رود و و پس از طرح آن توسط آقای روحانی فهمیده شد.

نکتهٔ اول اینکه اعتدال به‌عنوان یک عقل معنایی و یک فهم کلی در انتخابات سال ۹۲ قابل بازنمایی است. البته به‌عنوان عقل معنایی، برداشت کلی به این معنا هست که در سطوح مختلف نخبگان، سیاست‌مداران و سیاست‌ورزان، معانی و برداشت‌هایی مختلفی از اعتدال در جامعه هست ولی شاید فصل مشترک همه آن‌ها این است که از افراط فاصله می‌گیرند و به همین اعتبار می‌توان گفت اعتدال بسیار نیازمند توصیف و تدوین بوده و هست.

مهم‌تر اینکه اعتدال در واقع مفهومی است که توسط رسانه‌ها باید عملیاتی و اجرایی شود. اعتدال هدف نیست بلکه وسیله است و اعتدال وسیله‌ای است که به نیازهای جامعه و به اولویت‌های جامعه پاسخ داده شود و به اعتدالی‌کردن ساختارهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جامعه کمک کند.

نکتهٔ دوم در مفهوم اعتدال این است که ساختارها و کنش‌ها مقدم هستند. گاه بسیاری افراد معتدل در رفتار و شناختشان اعتدالی هستند و شاید کنار یکدیگر هیچ‌گونه اختلافی در مفهوم اعتدال با هم نداشته باشند اما در ساختارهایی که قرار می‌گیرند نتیجه آن کنش‌های غیراعتدالی

می‌شود. اعتدال تنها یک دعوت به مشی و بحث در حوزه اخلاق نیست بلکه دعوت به اعمال سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اعتدالی و ساختارهای اعتدالی است.

بدین معنا، نکته سوم می‌تواند آن باشد که ساختارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجود به‌رغم تمایل افراد، اجازه و امکان معتدل بودن یا اعتدالی عمل کردن را نمی‌دهند. اعتدال به معنای حد وسط گرفتن در جناح‌های سیاسی، پیدا کردن راه میانه‌روی در حاکمیت قانون و بی‌قانونی یا اعمال قدرت دولت و حاکمیت در برابر رانت‌ها و امتیازات نیست. اعتدال را باید در برابر افراط معنا کنیم و اینکه به تدریج با مدارا کردن و گام‌به‌گام به سمت بهبود برویم.

نکته چهارم اینکه اعتدال به معنای حرکتی است که با آن بتوان بر سر نیازها و منافع ملی اجماع ایجاد کرد. ترکیب درست منافع ملی که همه به آن تأکید دارند زمانی محقق خواهد شد که زمینه‌هایی وجود داشته باشد. به‌ویژه در رسانه‌ها که بتوانیم در خلال یک بحث آزاد انتقادی بفهمیم برای نمونه آیا حمایت از مذاکرات ژنو به نفع کشور است یا مصلحت کشور آن است که از توقف مذاکرات خوشحال و دچار ذوق‌زدگی شود. این‌ها همه در یک فضای آزاد می‌تواند شکل بگیرد. فضای آزادی که جامعه هم بفهمد و در حوزه عمومی مطرح شود که منافع ملی چه چیزی هست.

نکته آخر، اعتدال به معنای بالا بردن ظرفیت‌های معنوی و مادی جامعه است و حتی ایجاد ظرفیت‌های جدید تا بتوان با کمک آن‌ها بر ساختارهایی که خودآگاه و ناخودآگاه به سمت بی‌اعتدالتی و افراط دعوت می‌کنند یا سوق می‌دهند غلبه پیدا کنند.

جامعه ایران جامعه‌ای است پر از شکاف‌های اجتماعی-تاریخی، بین آرمان و واقعیت، حاکمیت و جامعه، تبعیض و حاشیه‌راندگی نخبگان، نیروهای سیاسی، تولید نفرت، کینه، بغض، قطبی‌شدن‌های ناروا و نادرست و مانند این‌ها.

معتقدم رسانه‌ها در یک وضعیت عدم تعادل ساختاری قرار دارند یعنی نتیجه تولیداتی را که در رسانه‌های کشور دیده می‌شود اعتدالی نیست. اگر بتوان زمینه‌هایی را فراهم کرد - مانند زمینه‌های فرهنگی یا گفتمان‌های جدید - که بر عدم تعادل ساختاری بالا غلبه پیدا کنیم گامی به سمت اعتدال است.

فضای رسانه‌ای و به‌ویژه فضای رسانه‌ای مخالفان دولت - نه تنها منتقدان دولت - فضایی است که با واقعیت جامعه تفاوت و نیاز به آسیب‌شناسی دارد. با رصد سایت‌ها یا پیامک‌های خبری توقع می‌رود همه‌جا مردم در کوچه و خیابان به جان هم افتاده یا علیه دولت دست به اقدام زده باشند. از تعبیر فرارندم ۹۷ درصدی که در ثبت‌نام دریافت یارانه‌ها علیه دولت به کار برده شد می‌توان فهمید همه جا در دولت، حکومت و دانشگاه باید به این مسئله پرداخته شود.

آسیب‌شناسی وضعیت موجود رسانه‌ها از مسئله مشترک در حوزه آموزش، حرفه و سیاست نشان می‌دهد در فضای رسانه‌ای گرفتار نبود یک رسانه معیار هستیم. نبود رسانه معیار یا زبان معیار رسانه‌ای به این معناست که همه رسانه‌ها نباید یک حرف بزنند و نباید رسانه‌های منتقد و

حتی رسانه‌های مخالف دولت را محدود کرد. باید زبان معیار یا رسانه معیار را پیدا کرد و تأکید می‌کنم در واقع دچار چندپارگی در حوزه عمومی هستیم. رسانه‌ها به جای ترویج حوزه عمومی معطوف به مسئله مشترک— نه نتیجه مشترک— به چند پارگی و قطبی شدن در جامعه کمک می‌کنند و مشکل زمانی ایجاد می‌شود که منشأ رسانه‌های این چنینی در بخش‌های مختلف حکومت قرار داشته باشد.

حتی می‌توان در جامعه رسانه افراطی وجود داشته باشد ولی رسانه افراطی، زمانی که منشأ، تغذیه یا مدیریتش به بخش‌های دیگری از حکومت بازگردد اینجا انتقاد و اشکال خواهد بود زیرا به زبان افراطی‌گری نوعی رسمیت و مشروعیت بخشیده می‌شود. اما در خصوص تحلیل رسانه‌های مسئله اول اینکه در نسبت بین رسانه و حوزه عمومی دچار مشکل هستیم و از آنجا که حوزه عمومی متفاوت با رسانه است رسانه‌ها سعی دارند القا کنند که فضای عمومی را درست می‌کنند.

دوم، رسانه‌ها به لحاظ ساختار و ترکیب رسانه‌ای خود دچار یک عدم تعادل هستند. عدم تعادل ساختاری یعنی اینکه اکنون دولتی در کشور برقرار است ولی وزن رسانه‌های همسو با دولت به خصوص در فضای مجازی خیلی کمتر و ضعیف‌تر از وزن رسانه‌های مخالف و منتقد دولت است. و طبیعتاً وقتی که عدم تعادل وجود داشته باشد در این عدم تعادل نمی‌شود گفت که پیام هم‌وزنی هم انعکاس پیدا می‌کند و به لحاظ رفتاری هم گرفتار عدم تعادل در حوزه رسانه‌ها هستیم به خاطر اینکه شیوه‌های عمل غیر رسانه‌ای به جای عمل رسانه‌ای گذاشته می‌شود. جای عملیات روانی و کار رسانه‌ای گاهی با همدیگر جابه‌جا می‌شود و در نظرات سخنران قبل از من هم بود که اصلاً نمی‌شود انتظار داشت حتی در توصیف واقعیت نظر رسانه و نظر روزنامه‌نگار انعکاس پیدا نکند. ولی رسانه، رسانه است. نهاد سیاسی، نهاد سیاسی است و حزب، کار حزب را انجام می‌دهد و باید انجام دهد و نهاد حکومتی کار حکومتی باید انجام دهد. ولی در اینجا دیده می‌شود و به وضوح می‌بینیم که رفتار غیر رسانه‌ای یا عمل غیر رسانه‌ای در رسانه‌ها دیده می‌شود. من نگاهم، نگاه انتقادی است و معتقد به این هستم که باید انتقاد را از حکومت تا تک‌تک شهروندان ترغیب کرد. ما گرفتار یک جامعه غیراخلاقی در فضای انعکاس رسانه شده‌ایم. و این است که به تعادل ضربه زده و از آن طرف هم به سمت افراط کشیده شده‌است. یعنی ببینید مرز نقد و تخریب با هم آمیخته شده‌است. مرز بحران‌زایی و بیان واقعیت با همدیگر آغشته شده‌است. خاطر من هست زمان تأسیس روزنامه هم‌شهری جلساتی مبنی بر چگونگی انتشار آن تشکیل می‌شد. مرحوم صابری، گل‌آقا، که باید در اینجا یاد می‌کنم، در آن جلسه حرف جالبی می‌زد و می‌گفت روزنامه‌ای که می‌خواهد در ارتباط با فرهنگ شهری باشد، باید صبح که در می‌آید مردم این احساس را نکنند که چند جا بمب در زیر پاهایشان گذاشته شده و احساس کنند که در یک شهر آرامی زندگی می‌کنند و من عمیقاً معتقد به این هستم که جامعه ایران جامعه‌ای است که تخریب نشده، نابوده نشده و بسیاری از این بحث‌ها را قبول ندارم که ایران را با آن چهره سیاه و آسیب‌دیده‌اش می‌بینند ولی می‌گویم که رسانه‌ها در چنین فضای

بحران زده‌ای کار می‌کنند. نتیجه‌گیری من از این پنج نکته‌ای که برای رسانه‌ها و پنج نکته‌ای که برای اعتدال گفته‌ام، این است که اگر رسانه‌ها خودشان بتوانند در حوزه اعتدال قرار بگیرند، می‌توانند جامعه را آن طوری که هست منعکس کنند.

اگر به یک تعریف مشترک و جامع نرسیم؛ اعتدال هم می‌تواند کارکرد معکوس پیدا کند

کسری نوری: به‌عنوان فردی که سال‌ها کار عملی و تئوری انجام داده‌است نگرانی‌هایی را مطرح می‌کنم. اگر اعتدال را بپذیریم که ارتباط انفکاک‌ناپذیری با اخلاق دارد این سؤال را مطرح می‌کنم که اساساً حال افراد در جامعه ما چگونه است؟ اگر متهم به افراطی‌گری نشوم می‌خواهم بگویم که اخلاق در جامعه ما به کُما رفته‌است و آن‌گاه در جامعه‌ای که اخلاقش این روزگار را دارد می‌خواهیم سخن از اعتدال بگوییم و بار این رسالت را هم بر دوش رسانه‌ها و مطبوعات بگذاریم.

در این روزها که بحث اعتدال مطرح است یک مقداری برای رسانه‌ها نگران هستم. همه ما در مقطعی که بحث جامعه مدنی در کشور مطرح شد تجربه‌هایی را پشت سر گذاشته‌ایم، آنجا که مطبوعات پرچم‌دار جامعه مدنی شدند. متأسفانه با پرداختن به جامعه مدنی گروهی متهم به اباحه‌گری و افراط در زمینه‌های مختلف شدند و بر آن اساس با مطبوعات برخورد شد.

هنوز در مفاهیم مانده‌ایم و تعریف روشنی هم نداریم و بعد این اعوجاج را بر مطبوعات بار می‌کنیم. مطبوعاتی که هزار و یک مشکل دارند در موردشان قضاوت می‌کنیم، برخورد می‌کنیم و بعد هم بالأخره مقصر همه کاستی‌های جامعه مطبوعات می‌شود. از این بابت می‌گویم که برای رسانه‌ها نگران هستم.

زمانی روزنامه‌ها و رسانه‌ها بار احزاب را بر دوش کشیدند و به دلیل همین گرفتار آمدن در مفاهیم تئوری و نظری که متأسفانه هیچ‌گاه اجماعی هم درباره آن‌ها به وجود نیامد. هنوز در مورد مفهوم منافع ملی در کشورمان به اجماع نرسیده‌ایم. هر کسی از نگاه خودش تفسیر می‌کند. نمی‌گویم که رسانه‌ها هیچ‌گاه دچار افراط نشده‌اند ولی تأکید می‌کنم که اگر رسانه‌ها در مقطعی متهم به افراط شدند یا اگر افراط هم کردند، آیا رسانه‌ها خود شروع‌کننده مباحث افراطی بوده‌اند یا اینکه تابعی از شرایط حاکم بر فضای سیاسی جامعه و آن کشمکش‌های درون هرم قدرت بوده‌اند. کتمان‌ناپذیر است که بیشتر رسانه‌ها وابستگی‌هایی به جریان‌های سیاسی کشور داشته باشند.

رسانه‌ها و مباحث مطرح‌شده انعکاس‌دهنده دعواهای جامعه بودند. دعوایی که در هرم قدرت بود و هر گروهی زورش بیشتر بود به‌طور طبیعی رسانه‌های آن از یک حاشیه امنیت بیشتری برخوردار بودند، صدایش بلندتر بود و می‌توانست دیگران را متهم به افراط کرده و با آن‌ها برخورد کند.

اکنون هم مقداری در مورد مفهوم اعتدال نگران هستم. حس می‌کنم که اگر ما به یک تعریف مشترک و جامع نرسیم، این اعتدال هم می‌تواند یک کارکرد معکوس پیدا کند و

رسانه‌ها را درگیر کند. گاهی حس می‌کنم در مفهوم اعتدال در جامعه به شکلی افراط می‌شود. به همین معنا تعریف روشنی نداریم و بر اعتدال تأکید می‌شود بدون آنکه نقشه‌راهی در دست باشد و متأسفانه دوباره داریم بر اساس همین مفهوم کش‌دار و قابل تفسیر رسانه‌ها را مورد قضاوت قرار می‌دهیم. از صاحب‌نظران دولت درخواست می‌کنم که بار این مسئله را به دوش رسانه‌ها نیندازند زیرا این دعوها در جای دیگری باید حل شود. رسانه‌ها می‌توانند برای کمک به این قضیه ابزاری باشند.

می‌پرسم آیا واقعاً در هرم تصمیم‌سازی کشور اعتدال وجود دارد؟ مفهوم اعتدال در حوزه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کشور چیست؟ هنوز نتوانستم درک کنم. گاهی حس می‌کنم اعتدال در هرم تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی یعنی درست کردن نوعی شرکت سهامی در قدرت.

البته خوشحال هستم که بررسی این بحث را برای ۴ یا ۵ سال آینده نسپردیم. بالأخره برای اینکه بتوانیم به تعریف مشترک از مفهوم اعتدال برسیم یا بر آن اساس حرکت کنیم حرکتی در دست انجام است. خواهش من این است که مبادا مانند برخی حوزه‌ها یا مفاهیم دیگر، بار این مفهوم کش‌دار و قابل تفسیر و تعبیر، همه‌اش به دوش مطبوعات و رسانه‌ها بیفتد. واقعیت این است که رسانه‌ها در کار خود مانده‌اند و خیلی نمی‌توانند بار دیگری را هم به دوش بکشند و بر اساس آن مورد بازخواست و حساب و عتاب قرار گیرند.

به نظر می‌رسد با توجه به نیاز مخاطبان امروز، نیازمند بازتعریف رسانه و اعتدال هستیم

مازیار ناظمی: چند موضوع را که به نظر من عملیاتی‌تر می‌رسد در میان می‌گذارم. اگر قرار باشد اعتدال ایجاد شود در رفتار سطوح بالای جامعه باید حرف راست زده شود. جامعه اعتدالی جامعه قانون‌گرا است. می‌گویم تغییر فرهنگ به چهار سال دوره این دولت نیست. گروه بعد چه می‌گوید؟ قبلاً چه بوده‌ایم؟

در موافقت با دکتر خانیکی معتقد هستم ملت مصیبت زده و از دست‌رفته‌ای نیستیم. خودمان را کم نبینیم ولی با واقعیت‌هایمان زندگی کنیم. نگوییم هنر نزد ایرانیان است و بس یا اینکه بهترین تماشاگران دنیا در ایران هستند. ورود و خروج استادیوم فوتبال با توهین است. کجا چنین رفتاری اعتدال است. رسانه‌ها را ببینید. نتیجه اینکه الگوهای جامعه‌مان مشکل دارند چرا که با واقعیت‌هایمان زندگی نمی‌کنیم. خود را گول می‌زنیم و با شعارزدگی پیش می‌رویم. بحث دیگر این است که رسانه امروز چه تعریفی دارد؟ آیا اصلاً اعتماد دارند. آیا رسانه همین است که می‌گوییم.

ورود رسانه‌های جدید همچون پدیده اینترنت و فیس‌بوک افراد را درگیر می‌کند و تأثیر خود را می‌گذارد. مردم از مخاطب منفعل و محکوم بیرون آمده‌اند. مخاطبان تولیدکننده هستند، محتوا به وجود می‌آورند و مقابله می‌کنند. مخاطبان ناگفته‌مانده‌های رسانه‌ها را رصد می‌کنند. آیا رسانه امروز برای چنین مخاطبانی تعریف شده است؟

گذشت آن زمانی که مخاطبان بی تاب و منتظر مقاله و سرمقاله در روزنامه می‌نشستند. می‌توان اعتدال را به مثابه رفتار ایجاد کرد به شرط آنکه اعتماد از دست‌رفته را باز گردانیم. باید باور کنیم مخاطب امروز تعریف متفاوتی دارد زیرا که می‌تواند مقابله کند و باید با تعامل کار را به پیش ببریم. دنیای رسانه‌ها از شیوه تعاملی در ارتباط با مخاطب بهره‌گیری می‌کند و در این راستا مردم محتوا تولید می‌کنند و بازیگر هستند. آیا ما هم این‌گونه کار می‌کنیم؟ و در روزنامه‌ها این‌گونه اتفاق می‌افتد؟ یا هنوز به همان شکل سنتی ویژه‌نامه تولید می‌کنیم؟ آیا روزنامه‌نگاران به‌روز تربیت شده‌اند. مخاطب امروزی را می‌فهمند؟ معتقد هستم درصد بسیار ضعیفی این‌گونه است. متأسفانه بدون تعارف بگویم افراد سیاست‌زده وارد رسانه‌ها شده‌اند. اگر رسانه‌ها باید صدای مردم باشند و به این اصل اعتقاد داریم، باید بگویم چنین افرادی به این ساختار و اعتماد صدمه زده‌اند. تا زمانی که وضعیت این چنین است و درجه آزادی بیان به‌جای اینکه تعریف واقعی داشته باشد تعریف سیاسی دارد، مردم دلیلی نمی‌بینند برای کسب اطلاعات به رسانه‌ها رجوع کنند؛ حتی رسانه‌هایی که اعتدال را ترویج می‌کنند. به نظر می‌رسد با توجه به مخاطبان دنیای امروز نیازمند باز تعریف رسانه و اعتدال هستیم.

برای رسیدن به اعتدال باید تشکلهای صنفی نهادمند شوند

مصطفی کواکبیان: تأکید دارم و تصور بر این است جریانی که از انتخابات ۹۲ شروع شده می‌خواهد بگوید اگر اصول‌گرا هستید، اصول‌گرای معتدل و اگر اصلاح‌طلب هستید، اصلاح‌طلب معتدل باشید؛ روزنامه‌نگار هستید بر مبنای اعتدال عمل کنید و اگر فعال سیاسی هستید بر مبنای اعتدال باشید.

بر همین اساس نمی‌پذیریم اعتدال یک گفتمان ویژه سیاسی یا یک جریان جدید سیاسی باشد. در دوره اصلاح‌طلب‌ها باید ببینیم اعتدال چه چیزی است. آیا راه یا روشی درون موضوعات و جریان‌های مختلف است؟

با توجه به کفایت و تکرار بسیار از تعریف و تبیین انتزاعی مفهوم اعتدال باید دید که چه چیزی سر جایش نیست، کدام است و چگونه می‌توان سر جایش قرار داد. به تعبیر حضرت علی (ع) در معنای "حق را به حق‌دار رساندن" حق چیست؟ حق‌دار کیست؟ و چگونه می‌توان حق را به صاحب حق رساند؟

اعتقاد این است که سه مفهوم اساسی در مورد عدالت یکی به معنای تساوی است که به نظر می‌رسد ناعادلانه است اما به یک معنا بر طرف کردن تبعیض است. یک مفهوم دیگر عدالت معنای لغوی آن است که به فرمایش حضرت علی (ع) حق را به صاحب حق رساندن است.

سومین مفهومی که از عدالت برخاسته می‌شود به معنای همان اعتدال و تعادل یا پرهیز از افراط و تفریط است. برخلاف تساوی به جای تبعیض، بحث توازن و تعادل مطرح هست. در

قرآن کریم خداوند سبحان می‌فرماید «تمام آسمان‌ها و زمین بر مبنای عدل استوار شده‌است» این عدل را همه مفسران به توازن و تعادل معنا کرده‌اند.

گاه اعتدال در روش هست تا انسان‌های متعادل داشته باشیم و خصوصیت رفتاری انسان‌ها هدف است اما به نظر این معنا مد نظر نبوده‌است. معنای دوم در اعتدال آن است که گفته شود تنها در رفتار نیست و در راه هم هست. یعنی در مسیر، مسیر معتدلی انتخاب شود و به این ترتیب در سیاست حرکت در میانه جناح‌های سیاسی معروف به اصول‌گرا و اصلاح‌طلب یک معنای دیگر اعتدال است.

این دو مفهوم یعنی اعتدال در روش و اعتدال در راه، یک مفهوم سومی هم دارد و آن اینکه حرکت‌های همه فعالان (فعالان مطبوعاتی، فعالان سیاسی، فعالان دانشگاهی و ...) بر مبنای اعتدال صورت گیرد. اگر اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب هست، معتدل باشند. یعنی دو سر طیف افراط و تفریط اصول‌گرایی معتدل باشند، حرکت اعتدالی داشته و همیشه بر مرز اعتدال باشند. حال با توجه به آنچه آمد، در حوزه رسانه معتقدم اگر سه ضلع را تصور کنیم یک رأس آن حاکمیت به معنای نظام سیاسی در مفهوم کلی است. ضلع دیگر دولت است که حکومت به معنای قوه مجریه و دولت است و یک ضلع آخر هم رسانه‌ها هستند.

معتقد هستم که در بخش نظام سیاسی عدم تعادل وجود دارد. نخست اینکه چرا نظام سیاسی در رسانه باید مظهر اعتدال بخشی باشد. نوع نظام سیاسی حاکم می‌تواند در آحاد جامعه و در جامعه مطبوعاتی و رسانه‌ای تأثیر داشته باشد. نمی‌توان گفت نظام هر راهی را که رفت جامعه باید حتماً معتدل باشد. مردم برگرفته از حاکمانشان حرکت خود را تنظیم می‌کنند. فرض کنید در مطبوعات و وب‌نوشت‌ها یا سایت‌ها همه چیز را درست کنید اگر صدا و سیما متعادل نباشد همه کارها بر باد می‌رود و اثربخشی خودش را ندارد. گاه صدا و سیما آنچنان غیرمتعادل عمل می‌کند که تمام برنامه‌های متعادل مطبوعات را بر هم می‌زند.

در هر حال نظام سیاسی باید حاکمیت قانون را اجرا کند. در همه زمینه‌ها اعتقاد دارم خطوط قرمزی وجود دارد که قرار است از آن عبور نشود تا رسانه‌ها به اعتدال برسند اما تنها در ذهن برخی از مسئولان است و در عمل مشخص نیست. اگر خط قرمز قانون مطبوعات است پس همه باید به قانون مطبوعات تن بدهیم.

آیا جریمه ارتکاب خلاف توقیف و بستن روزنامه است؟ معتقدم خطوط قرمز را باید مشخص کنیم تا تعادل رسانه مشخص باشد. واقعیت ابهام دارد.

معتقد هستم دولت باید بحث حاکمیت اخلاق را همان‌طور که نظام سیاسی حکومت قانون را سرلوحه قرار می‌دهد، سرلوحه قرار دهد تا اعتدال برقرار شود. دولت در جایگاهی نشسته که ذره‌ای بداخلاقی‌اش می‌تواند همه چیز را از هم بپاشد. همچنان که بداخلاقی‌های گذشته دولت‌مردان از لحاظ اعتدال جامعه را به وضعیت نابهنجار رسانده بود.

دربارهٔ رسانه‌ای‌ها معتقد هستم یک ضلع اصلی آن مربوط به خود رسانه‌ای‌ها است و برای رسیدن به اعتدال باید تشکل‌های صنفی، نهادمند شوند و درون خانواده مطبوعات تشکل‌ها ظهور پیدا کنند که بسیار می‌تواند تعادل‌بخش باشد و به معنای وجود نظام‌های صنفی خواهد بود. نکتهٔ دوم، طرد افراطیون بین اهالی رسانه‌ها است. نقد دولت، نقد جناح سیاسی مقابل باید مبتنی بر آداب باشد نه این‌گونه تخریب و ناسزاگویی‌هایی که رایج هست.

نکتهٔ سوم، مقابله با جو زدگی‌ها یا به اصطلاح نگاه ده‌کای است. تیت‌های تند، خریداران بیشتری دارند. امری که باعث شده بدنهٔ روزنامه‌نگاران با مدیریت‌ها را درگیر چالش کند.

بر فرض اگر نظر و اندیشهٔ افراطی و تفریطی هم باشد باید در حوزه‌ها و نشست‌های تخصصی مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد نه در رسانه‌های زرد یا حاکم‌شدن دیدگاه‌های افراطی. معتقدم مقداری از بی‌توجهی‌ها به ظرفیت‌ها و فضاها و مخصوصاً ارزش‌های دینی از جمله جو زدگی‌هایی است که بعضی از مطبوعات دچار آن هستند و امیدوارم همهٔ جامعه در ابعاد مختلف و به‌خصوص بخش رسانه‌ای به سمت اعتدال هر چه بیشتر حرکت کند.

اشکال کنونی روزنامه‌نگاری وجود بیماری در سیستم رسانه‌ای است

مهدی محسنیان‌راد: در راه که می‌آمدم، به عنوان "رسانه‌ها و اعتدال" فکر می‌کردم. من از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ مدت چهار سال روزنامه‌نگاری خواندم. سال گذشته چاپ دهم کتاب روش‌های مصاحبه خبری با ویرایش سوم درآمد و من دیدم منابع، خیلی با آنچه که من ۴۰ سال پیش خواندم، فرقی نکرده‌است. کماکان باید مطبوعات رکن چهارم باشند. هیچ کاری نداشته باشند که مجلس چه می‌گوید. حکومت مردان چه می‌گویند.

مستقل از قوای سه‌گانه حکومت فعالیت کنند و نظارت بر خود را به‌عنوان مغز مستقل آموزش دیدهٔ دانشگاهی و متخصص دیده‌بانی کنند. نظام‌های اندیشه‌ای ارتباطات از سال‌های گذشته چندان تغییر اساسی نکرده‌است. اما در ۳۵ سال گذشته روزنامه‌نگاری ایران به سبب سرگستگی ناشی از اولویت تخصص یا تعهد بیشترین آسیب را دید. فراموش کردیم روزگاری در خاورمیانه از برجسته‌ترین دانشگاه‌های ارتباطات برخوردار بودیم و دانشجویان روزنامه‌نگاری آموخته بودند نه دسته میکروفون باشند نه رابطهٔ مرید و مرادی با مقامات دولتی داشته باشند. بنده در این ۳۵ سال کلاس‌هایم بسیار نقادانه بوده‌است. اما اشکال کنونی روزنامه‌نگاری وجود بیماری در سیستم رسانه‌ای است.

جالب است بدانید برای دستیابی به کاستی‌ها و کژئی‌های نظام رسانه‌ای کشور از آغاز انقلاب اسلامی در ایران بر اساس یک پژوهش ۲۵ ساله با بازه‌های زمانی پنج ساله، اظهارات مسئولان-گفته‌های رئیس‌جمهورهای وقت، نمایندگان مجلس، امام جمعه قم و تهران، استانداران، معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد (از زمان شکل‌گیری)، رئیس صدا و سیما- برای ۲۵ سال تبدیل به داده شد و هر آنچه نسبت به مطبوعات در رسانه‌ها که از صبح ۲۳ بهمن ۵۷ گفته

شده بود بررسی و نتیجه به دست آمده نشان داد در این مدت درباره جایگاه مطبوعات و رسانه‌ها با خود سردرگمی داشته‌ایم و مشخص شد که ۶۵ درصد گفته‌های مسئولان در این دوره حاوی باید و نباید به رسانه‌ها بوده‌است. می‌دانید آقای ویلبر شران یکی از برجستگان ارتباطات در دهه ۱۹۶۰ سؤال کرد که رابطه حکومت، قدرت، و رسانه‌ها چگونه است. او چهار تئوری را مطرح کرد به اسم چهار تئوری هنجاری رسانه‌ها و بعداً مک‌کوایل در دهه ۸۰ آن را شش تا کرد. ما تک‌تک گزارشات و فرمایشات این حکومت‌مردان را عین یک کیت آزمایشگاهی می‌آوردیم که ببینیم جزء کدام یک از این تئوری‌هاست. و بدین وسیله این شش تئوری حجامش بیرون آمد. نتیجه این شد که اگر دوره‌ها را تقسیم کنیم؛ دوره جنگ، دوره اصلاحات، دوره ایکس، و غیره می‌بینیم که در هر دوره یکی از این تئوری‌ها رفته و نزدیک ۵۰ درصد رسیده اما هیچ وقت ۵۰ درصد نشده‌است. و بعد می‌بینیم که در میانگین ۲۵ سال هیچ تئوری از ۳۷ درصد بالاتر نرفته‌است. در واقع یک عدم اتفاق، یک سردرگمی سنگین در میان حکومت‌مردان ایران طی ۳۵ سال در باب اینکه رسالت و کارکرد رسانه‌ها چه چیزی است، داریم. و در تمام این ۳۵ سال این سرگردانی و عدم اتفاق به روزنامه‌نگاران به صورت سرگردانی منتقل شده‌است. ۶۱ درصد گزاره‌های ۲۵ ساله حکومت‌مردان حاوی باید و نباید برای مطبوعات و ۲۵ درصد آن نقد است.

اجازه دهید روزنامه‌نگاری، روزنامه‌نگاری‌اش را انجام بدهد. در هر شرایطی که باید بچرخد می‌چرخد و لازم نیست هر حزبی که در یک کشور عوض شود، روزنامه‌نگاری هم تعریف جدیدی به خود بگیرد. اجازه بدهید حوزه ارتباطات ایران کار خودش را بکند. مطمئن باشید که الان بحث تخصص و تعهد در روزنامه‌نگاری مطلقاً به نفع کشور نیست. فقط متخصص باید روزنامه‌نگار باشد. اجازه بدهید روزنامه‌نگاری کار تخصصی‌اش را بکند، یک قانون درست هم ایجاد کنید که ناظر باشد.

با تأکید بر مراقبت از رسانه‌ها به جای نظارت بر آن‌ها معتقد هستم هرگونه نگاه تعیین‌کننده به رسانه‌ها آسیب‌زا خواهد بود. درست این است که به متخصصان حرفه‌ای و برجسته خبرنگاری و روزنامه‌نگاری رسانه‌ها به مثابه بخش قلب کشور مانند متخصصان بخش قلب بیمارستان‌ها اجازه دهند به شکل حرفه‌ای کار کنند.

از برخی برخوردها با روزنامه‌نگاران و خبرنگاران انتقاد دارم زیرا که روزنامه‌نگار باید اجازه داشته باشد کار را انجام دهد و البته با نظارت درست اما هر نوع نگاه تعیین‌کننده بر رسانه‌ها اخلاص ایجاد می‌کند. با این باور که دشمنان در رسانه‌ها نیستند و نیز این حرفه، یک تخصص است باید اجازه داد رسانه‌ها به وظیفه اصلی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاری خود عمل کنند. بنابراین من با نگرانی عرض می‌کنم هر نوع نگاه تعیین‌کننده برای روزنامه‌نگاری در ایران به ما آسیب خواهد رساند.

در پایان، برخی از افراد حاضر در نشست، سؤال‌های خود را از مدعوین پرسیدند و صاحب‌نظران مدعو به پرسش‌های مطروحه پاسخ دادند.